



بررسی اثر تحریم بر صنعت بیمه با تأکید بر تورم و مشکلات نقل و انتقالات پولی

اسماء حمزه^۱

فاطمه عطاطلب^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱

چکیده

تحریم اقتصادی در سال‌های اخیر عرصه‌های مختلف اقتصادی را مورد هدف قرار داده است و هر روز بر گستره نفوذ خود می‌افزاید تا بیش از پیش روابط اقتصادی دولت‌ها را دست‌خوش تغییر قرار دهد. بیمه نیز این روزها با سد محکم تحریم‌های اقتصادی روبرو شده است. تحریم‌های اقتصادی باعث افزایش تورم و ایجاد اختلال در نقل و انتقالات پول می‌شود. تورم عبارت است از افزایش دائم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی منجر می‌شود. در اکثر کشورها، امروزه موضوع تورم از مباحث مهم اقتصادی به‌شمار می‌رود. تورم زمانی که از حد قابل قبول خود در اقتصاد، بالاتر رود، روابط مالی بین افراد و شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صنعت بیمه نیز، به دلیل ارتباط گسترده با سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور از اثرات مختلف شرایط تورمی در امان نیست. همچنین پاره‌ای از مسائل در کشور موجب مشکلات در نقل و انتقالات پولی می‌شود که این امر نیز بر صنعت بیمه تأثیر فراوان دارد. به موجب آن، همکاری بیمه‌گران داخلی و طرف خارجی کاهش می‌یابد و با توجه به مشکل گشایش اعتبار، پذیرش ریسک بانک‌های طرف قرارداد در حوزه تجارت خارجی دچار مشکل می‌شود. همچنین فعالیت شرکت‌های بیمه داخلی در عرصه بین‌الملل و پذیرش اتکایی و یا سرمایه‌گذاری به

۱- استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشکده بیمه، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) hamze2006@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری بیم‌سنجی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. f_atatablab@sbu.ac.ir

سهولت قبل نخواهد بود. در این راستا، در این تحقیق، قصد داریم به بررسی آثار تورم و مشکلات نقل و انتقال پول بر صنعت بیمه پردازیم. مسلم است بررسی این تأثیرات بر صنعت بیمه در شکل کلی امکان پذیر نیست. بنابراین به طور جداگانه حوزه‌های مختلف بیمه که تحت تأثیر قرار می‌گیرند را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

واژه‌های کلیدی: تورم، مشکلات نقل و انتقالات پولی، بیمه زندگی، بیمه غیرزندگی، بیمه اتکایی.

طبقه بندی JEL: E31, F51, G22, G32



۱- مقدمه

پیشرفت بیمه با توسعه اقتصادی کشور مقارن است. ترمیم وضع اقتصادی یک کشور و افزایش مبادلات و ترقی سطح زندگی و توسعه سرمایه‌گذاری موجب پیشرفت بیمه در آن کشور می‌شود و متقابلاً پیشرفت و اشاعه بیمه نیز به بهبود وضع معیشت افراد کشور و حفظ ثروت ملی و تشکیل پس‌اندازهای بزرگ کمک می‌کند. صنعت بیمه از دو جهت، توسعه سرمایه‌گذاری‌ها را در سیستم‌های اقتصادی موجب می‌گردد. از یک سو با تضمین و پوششی که ارائه می‌نماید، اثرات عوامل تهدیدکننده سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش می‌دهد که نتیجه آن گسترش سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد و از طرف دیگر، شرکت‌های بیمه، از محل منابع مادی که در اختیار دارند به عنوان سرمایه‌گذار در فعالیت‌های مختلف اقتصادی - بازرگانی شرکت می‌جویند و از این طریق در هموار نمودن راه‌هایی که به توسعه کشور منتهی می‌شوند نقش مهمی را ایفا می‌کنند. رشد اقتصادی کشورها، در گرو سرمایه‌گذاری‌های جدید است و سرمایه‌گذاری‌های جدید در صورتی امکان‌پذیر است که اولاً دسترسی به منابع سرمایه وجود داشته باشد و در ثانی مکانیزم‌هایی برای حفظ سرمایه‌گذاری‌ها در مقابل خطرات گوناگونی که آنها را تهدید می‌کند، داشته باشند و بنابراین، مؤسسات بیمه به عنوان یکی از نهادهای بازار مالی در فرآیند ایجاد پس‌انداز و تجهیز سرمایه و در نهایت رشد اقتصادی از اهمیت زیادی در اقتصاد برخوردارند. (جهانی & دهقانی، ۱۳۹۱)

صنعت بیمه یکی از صناعی است که اثرات گسترده‌ای بر اقتصاد و به‌ویژه تجارت بین‌الملل دارد. تحریم اقتصادی در سال‌های اخیر عرصه‌های مختلف اقتصادی را مورد هدف قرار داده است و هر روز بر گستره نفوذ خود می‌افزاید تا بیش از پیش روابط اقتصادی دولت‌ها را دست‌خوش تغییر قرار دهد. بیمه نیز این روزها با سد محکم تحریم‌های اقتصادی روبرو شده است. با توجه به قرار داشتن در شرایط تحریم و این‌که روز به روز بر شدت و حیطه آن افزوده می‌گردد خصوصاً بعد از خروج آمریکا از برجام و بازگشت مجدد تحریم‌ها، بررسی و ارزیابی همه‌جانبه تحریم و اثرات آن و آسیب‌شناسی آن‌ها و به‌کارگیری یافته‌های تحقیق در راستای کاهش اثرات آن، می‌تواند کمک شایانی را جهت بهبود و افزایش عملکرد بخش‌های مختلف داشته باشد.

کاهش پایداری قیمت‌ها از یک طرف خطر رکود و از طرف دیگر اثرات روانی و اجتماعی بسیاری را به همراه دارد به طوری که تورم فزاینده می‌تواند تعادل بین هر ارزشی را بر هم بزند و موجب ضرر طرفین هر معامله‌ای گردد. به عنوان مثال یکی از انواع تأثیرات تورم را می‌توان در اثر زمانی آن دانست به گونه‌ای هرچه زمان انجام یک معامله طولانی‌تر باشد، تأثیر تورم بر آن بیشتر می‌شود. بر همین اساس، صنعت بیمه نیز به دلیل ارتباط گسترده با سایر بخش‌های کلان اقتصادی از تأثیرات تورم در امان نیست.

اگر بخواهیم تصور کنیم که نرخ بالای تورم، چه تأثیری بر فضای حاکم بر شرکت‌های بیمه یا در مجموع صنعت بیمه خواهد گذاشت لازم است به این موضوع از منظر درآمدی نگاه کنیم. در ایران به دلیل این که درآمد مردم متناسب با نرخ تورم تعدیل نمی‌شود، حتی اگر بیمه را یک کالای ضروری قلمداد کنیم، با کاهش قدرت خرید، تقاضا و به تبع آن حق بیمه‌های دریافتی و در نتیجه توانگری مالی شرکت بیمه به عنوان شاخص عملکرد هر شرکت و در مجموع کل صنعت کاهش می‌یابد. این امر در حالی اتفاق می‌افتد که ارزش اسمی یا ظاهری درآمدهای حاصل از فروش شرکت‌های بیمه بر اثر افزایش در سرمایه‌های مورد بیمه افزایش یافته است. هر چند نباید از این موضوع غافل بود که افزایش سرمایه‌های مورد بیمه، طبیعتاً ریسک پذیرفته شده شرکت‌های بیمه را افزایش داده و احتمالاً بر سطح توانگری شرکت‌های بیمه تأثیر خواهد گذاشت.

نااطمینانی تورمی که به عنوان یکی از هزینه‌های مهم تورم به حساب می‌آید بر بخش‌های مختلف اقتصادی مثل سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، بازار کار، بازارهای مالی و اعتباری تأثیر دارد. زیرا نااطمینانی درباره تورم آتی منجر به انحراف تصمیمات پس‌انداز سرمایه‌گذاری می‌شود. (عباسی، رحیم زاده، & سلمانی، ۱۳۸۸)

تحریم‌های مالی با اثرگذاری بر اختلال در نقل و انتقال ارز موجب افزایش قیمت ارز در بازار آزاد می‌شود. این افزایش منجر به تغییر در تعهدات ارزی بانک‌ها و نیاز به سرمایه در گردش بیشتر می‌شود. از این رو میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر اختلال در نقل و انتقال ارز موجب محدودیت جریان منابع ارزی به داخل کشور می‌شود. در نتیجه این فرآیند، خالص دارایی خارجی بانک مرکزی افزایش می‌یابد. تحریم‌های نفتی نیز موجب کاهش میزان تولید نفت و صادرات آن می‌شود. کاهش درآمدهای نفتی، دولت را مجبور می‌کند به سراغ دریافت تنخواه از بانک مرکزی برای مقاصد چون تأمین کالاهای اساسی رود. از این رو میزان بدهی دولت به بانک مرکزی افزایش می‌یابد. افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، بدهی دولت به بانک مرکزی و دارایی‌های خارجی بانک مرکزی منجر به افزایش پایه پولی و در نهایت منجر به افزایش نقدینگی می‌شود. نقدینگی و تورم نیز ارتباط مستقیم دارند. انتظار می‌رود افزایش نقدینگی منجر به افزایش تورم شود (اخوی & حسینی، ۱۳۹۶).

در جهان کنونی معمولاً کشور تحریم‌کننده از سه طریق درصدد تحمیل هزینه‌های بیشتر به کشور هدف است؛ این سه روش عبارت‌اند از محدود نمودن صادرات، محدود نمودن واردات و پیچیده‌ترین مدل آن که محدود نمودن ارتباطات پولی و مالی است. صحبت از تحریم‌های مالی و پولی همیشه از پیچیده‌ترین مسائل اقتصاد سیاسی بین‌الملل است. در سال‌ها و دهه‌های اخیر ایالت متحده آمریکا از این حربه بیش‌ترین استفاده را کرده است. تحریم‌های اقتصادی باعث افزایش تورم

و ایجاد اختلال در نقل و انتقالات پول می‌شود. در این تحقیق می‌خواهیم اثر تورم و مشکلات نقل و انتقال پول، که هر دو ناشی از تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان است، بر صنعت بیمه را مورد بررسی قرار دهیم.

۲- مروری بر ادبیات موضوع

جباری (۱۳۷۱) به بررسی اثر تورم بر بیمه‌گر و بیمه‌گذار پرداخته است. در این مقاله آثار تورم بر مؤسسات بیمه و رابطه‌ای که با مشتریان آن دارد را مورد بررسی قرار داده است.

جعفرزاده (۱۳۷۶) در رساله خود به بررسی آثار تورم بر صنعت بیمه ایران پرداخته است. در این تحقیق جهت بررسی، از سه روش مختلف استفاده شده است. در روش اول با به دست آوردن یک شاخص ترکیبی مناسب برای هر یک از رشته‌های بیمه‌ای با توجه به شرایط و حوزه تأمین هر یک از آنها، رشد واقعی صنعت بیمه کشور را در ارتباط با حق بیمه‌های دریافتی، خسارت‌های پرداختی و وضعیت مالی شرکت‌های بیمه مورد بررسی قرار داده است. در روش دوم در حد امکان با استفاده از مدل‌های رگرسیونی میزان تأثیر تورم بر رشته‌های مختلف بیمه را بررسی کرده است. در روش سوم هر یک از رشته‌های بیمه را با توجه به خصوصیت و نوع قرارداد آنها مورد ارزیابی قرار داده است.

بنی‌مصطفی‌عرب (۱۳۹۵) در رساله خود، به بررسی استراتژی‌های بیمه اتکایی و سرمایه‌گذاری بهینه تحت ریسک‌های نرخ بهره و تورم پرداخته است.

غفوربروجردی (۱۳۹۶) در رساله خود، به بررسی تأثیرپذیری توانگری مالی شرکت‌های بیمه از تورم پرداخته است.

راغفر و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر تورم بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه در ایران را مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور از مدل رگرسیونی داده‌های تلفیقی ۱۳۹۴-۱۳۹۱ استفاده کردند.

اثر تورم بر بیمه‌های زندگی در چندین تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله عباسی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان "بررسی مقایسه‌ای اثر تورم بر تقاضای بیمه‌های زندگی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، تابع تقاضای بیمه زندگی را تخمین زده است. برای تخمین تقاضا از متغیر حق بیمه به عنوان متغیر وابسته و از متغیرهای تورم، درآمد سرانه ملی، جمعیت و تحصیلات به عنوان متغیرهای مستقل استفاده شده است. در این مقاله فرضیه "تقاضای بیمه‌های زندگی با تورم، رابطه معکوس دارد" و نیز دو فرضیه فرعی دیگر، یکی "تقاضای بیمه‌های زندگی با درآمد ملی سرانه رابطه مستقیم دارد" و فرضیه "تقاضای بیمه‌های زندگی با میانگین سال‌های تحصیل، رابطه مستقیم دارد" مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که در کشورهای

توسعه یافته با افزایش تورم، تقاضای بیمه زندگی کاهش یافته و تقاضای بیمه زندگی با تحصیلات رابطه منفی و با جمعیت و درآمد سرانه رابطه مثبت دارد. در کشورهای در حال توسعه، تقاضای بیمه با تورم و تحصیلات رابطه نداشته و با جمعیت و درآمد سرانه رابطه مثبت دارد. مؤمنی و صالحیان و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی علت عدم رشد ناکافی بیمه‌های زندگی از دیدگاه عوامل مؤثر بر تقاضا (به‌ویژه تورم) پرداختند و در ادامه راهکارهای جایگزینی سرمایه بیمه‌های زندگی را مورد ارزیابی قرار دادند. پیکارجو و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر تقاضای بیمه زندگی در کشورهای منطقه منا پرداختند. مهدوی و علیپور (۱۳۹۳) برای حذف اثر منفی تورم بر تقاضای بیمه زندگی، راهکار ارائه سبد پولی بهینه به جای مبلغ ریالی در محاسبه سرمایه بیمه‌نامه در زمان فوت، را مورد بررسی قرار دادند.

لطفی (۱۳۹۵) در مقاله خود به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تورم، بر تقاضاهای بیمه‌های اشخاص پرداخته است.

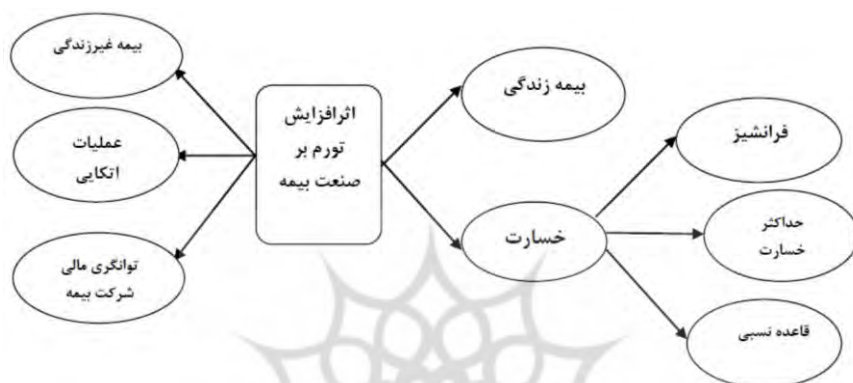
بررسی ادبیات پیشین حاکی از آن است که عمده مطالعات صورت گرفته در صنعت بیمه، پیرامون بررسی اثر تورم بر بیمه‌های زندگی بوده است. در این مقاله تلاش می‌کنیم اثر تورم بر حوزه‌های بیمه‌های زندگی، غیرزندگی، توانگری و عملیات اتکایی را مورد بررسی قرار دهیم. همچنین تاکنون تحقیق منجمی درباره اثرات اختلال در نقل و انتقالات پولی بر روی صنعت بیمه انجام نگرفته است. این ویژگی‌ها باعث وجه تمایز این تحقیق با سایر تحقیق‌ها شده است.

۳- اثر افزایش تورم بر صنعت بیمه

تورم از جمله پدیده‌های اقتصادی مضر است که اکثر کشورها در مقاطعی از تاریخ اقتصادی خود با آن دست به‌گریبان بوده‌اند. تورم در نرخ‌های متوسط و علی‌الخصوص در شکل حاد خود، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. (تهرانی & نجف‌زاده‌خویی، ۱۳۹۶)

در کشور ما، تحریم موجب وارد شدن شوک‌های تورم ناگهانی به صنعت بیمه شده است. اگرچه با افزایش نرخ تورم و رشد ارزش ریالی اموال بیمه شده (از جمله ساختمان و خودرو)، از یک سو درآمد شرکت‌های بیمه بابت افزایش حق بیمه‌های دریافتی افزایش یافته اما باید این را نیز در نظر گرفت که از سوی دیگر، تعهدات شرکت‌های بیمه نیز افزایش می‌یابد و این دو رویداد احتمالاً در کوتاه‌مدت یکدیگر را پوشش می‌دهند. همچنین در خصوص آن دسته از بیمه‌نامه‌هایی که در سال‌های گذشته صادر شده‌اند و جزو رشته‌های بلندمدت محسوب می‌شوند (مانند بیمه‌های مهندسی، مسئولیت و ... در حوزه بیمه‌های غیرزندگی و بیمه‌های زندگی که ماهیت بلندمدت دارند)، تصفیه خسارت‌های ناشی از بیمه‌نامه‌های صادره قبلی، شرکت‌های بیمه را دچار مشکلاتی

در ایفای تعهداتشان می‌کند. برای آن‌که شرکت‌های بیمه در بلندمدت دچار مشکلی نشوند، باید تغییراتی در ساختار خود مانند افزایش سرمایه و افزایش میزان ذخایر ایجاد کنند. در این بخش، اثر افزایش تورم را بر صنعت بیمه بررسی می‌کنیم. نمودار ۱، اثر افزایش تورم را بر فاکتورهای مختلف صنعت بیمه نشان می‌دهد.



نمودار ۱- اثر افزایش تورم بر صنعت بیمه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تورم دلالت بر وضعیتی دارد که در آن تقاضای پولی برای محصولات نسبت به تولید رشد می‌کند که معمولاً با افزایش واقعی یا بالقوه‌ی سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش قوه خرید واحد پولی همراه است. برای اندازه‌گیری این شاخص اغلب در بازه‌های زمانی هفتگی، ماهانه و سالیانه قیمت انواع کالاها و خدمات در سراسر هر کشوری اندازه‌گیری و اعلان عمومی می‌شود. کالاها و خدماتی که قیمتشان در نرخ تورم محاسبه می‌شود معمولاً از کالاها و خدمات ضروری زندگی مردم به شمار می‌روند. به مجموعه این کالاها سبد کالایی و خدماتی سنجش نرخ تورم می‌گویند. این سبد کالایی و خدماتی که به عنوان سبد پایه و شاخص کالا شناخته می‌شود هر چند سال یک بار مورد بازنگری قرار می‌گیرد. ریسک تورم که تمامی اوراق بهادار را تحت تأثیر قرار می‌دهد ریسک قدرت خرید یا کاهش قدرت خرید وجوه سرمایه‌گذاری شده می‌باشد و با ریسک نوسان نرخ بهره مرتبط است زیرا نرخ بهره معمولاً در اثر افزایش تورم افزایش می‌یابد و قرض‌دهندگان به منظور جبران ضرر ناشی از قدرت خرید سعی می‌کنند نرخ بهره را افزایش دهند. (بنی‌مصطفی‌عرب، ۱۳۹۵)

تورم پدیده‌ای است که روابط مالی بین افراد را مختل می‌کند و تعادل بین ارزش واقعی حقوق و تعهدات طرفین معاملات را بر هم می‌زند، به‌خصوص اگر در انجام تعهدات طرفین فاصله زمانی

طولانی ایجاد شده باشد. بیمه از جمله روابط مالی است که زمان در آن نقش اساسی دارد. بدیهی است در یک دوره تورمی، به خصوص اگر مدت بیمه طولانی باشد، ارزش واقعی تعهدی که بیمه‌گر انجام می‌دهد کمتر از مقداری است که در آغاز معامله در نظر بوده و حتی بیمه بر مبنای آن محاسبه شده است.

در این قسمت هر یک از فاکتورهای نمودار شماره ۱ را به تفکیک بررسی می‌کنیم.

• بیمه غیرزندگی

بیمه اموال و مسئولیت: بیمه‌گذار در زمان انعقاد قرارداد بیمه موظف است ارزش مالی موضوع بیمه را اعلام کند. بیمه‌گذار باید حق بیمه را در ابتدای مدت بیمه بپردازد (مگر این‌که با تقسیط حق بیمه موافقت شده باشد). جریان رسیدگی به خسارت و تعیین میزان آن مستلزم زمانی کم و بیش طولانی است. این فاصله زمانی، اشکال بزرگی در روابط طرفین ایجاد می‌کند. زیرا در صورت بروز خسارت یکی از اقدامات اولیه بیمه‌گر تعیین ارزش مالی موضوع بیمه و دقت در این امر است که آیا مبلغ بیمه یا به عبارت دیگر ارزش اعلام شده برای موضوع بیمه کافی بوده یا خیر؟ چون به موجب قاعده نسبی، اگر مبلغ بیمه، کمتر از ارزش موضوع بیمه در روز خسارت باشد خسارت پرداختنی به تناسب آن کاهش خواهد یافت. افزایش ارزش اموال بیمه شده در اثر تورم عامل اختلافات و سوء تفاهم بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار است. بعضی راه‌حل‌ها برای این مشکل عبارتند از:

- استفاده از شاخص قیمت‌ها؛
- حذف ارتباط بین حق بیمه و مبلغ بیمه؛
- شرط انصراف از اعمال قاعده نسبی؛
- صدور بیمه‌نامه به یک پول خارجی. (جباری، ۱۳۷۱)

توضیحات بالا اثر تورم در این نوع بیمه را بیشتر روی بیمه‌گذار نشان می‌دهد. از دیدگاه بیمه‌گر می‌توان اثر تورم در بیمه‌های اموال و مسئولیت را به صورت زیر خلاصه کرد:

- کاهش حاشیه سود بیمه‌گری و بازده سرمایه‌گذاری؛
- اثر منفی تورم روی هزینه‌های خسارت بیمه‌گران، ذخایر خسارت و سبد دارایی.

روشن‌ترین اثر تورم بر بیمه‌های اموال و مسئولیت هزینه خسارت‌های آتی بیمه‌نامه‌های فعلی است. در اغلب بیمه‌های اموال، ارزش دارایی بیمه‌شده بر اساس هزینه تعمیر یا جایگزینی در زمان خسارت است. هنگامی که تورم افزایش می‌یابد، هزینه خسارت‌ها افزایش می‌یابد. به عنوان مثال در

طی دوره تورم قیمت اتومبیل افزایش می‌یابد. از طرفی هزینه قسمت‌های آسیب‌دیده اتومبیل در تصادف افزایش می‌یابد، به تبع آن دستمزد افرادی که وسیله نقلیه را تعمیر می‌کنند و هزینه‌های پزشکی برای افراد آسیب‌دیده در تصادفات رانندگی افزایش خواهد یافت بنابراین هنگامی که اتومبیل تحت پوشش بیمه باشد این امر موجب تحمیل زیان به بیمه‌گران می‌شود. همین مسأله در سایر رشته‌های بیمه‌ای مانند مهندسی، کشتی، هواپیما، حوادث، درمان و ... نیز مشهود است. در واقع اثر تورم به طور غیرمستقیم به بیمه‌گر منتقل شده است. علاوه بر اثر تورم بر هزینه خسارت‌های آتی بیمه‌نامه‌های جاری، بیمه‌گران تجربه مشابهی را در خصوص ذخایر خسارت خواهند داشت. همان‌طور که می‌دانیم در برخی از بیمه‌نامه‌های مسئولیت ممکن است سال‌ها طول بکشد تا پرونده بسته شود، بنابراین هنگامی که تورم افزایش می‌یابد این امر موجب می‌شود هزینه تصفیه خسارت‌ها و ذخیره خسارت‌ها ناکافی باشد. لذا بیمه‌گران با افزایش تعهداتشان برای چنین خسارت‌هایی که قبلاً اتفاق افتاده مواجه می‌شوند. اگر نرخ تورم افزایش یابد عایدات بیمه‌گر و سرمایه‌گذاری و ارزش دارایی بیمه‌گر کم می‌شود و در مقابل تعهدات وی افزایش می‌یابد. در صورتی که بیمه‌گران نخواهند از شوک‌های تورمی دچار عدم توانگری شوند باید در محاسبات خود عامل تورم را لحاظ کنند. البته ذکر این نکته ضروری است که تورم به شدت به رشته بیمه‌ای وابسته است و فاکتورهای مهم و اثرگذار آن حسب رشته متفاوت است.

• بیمه زندگی

وجود تورم پایدار در اقتصاد ایران منجر به کاهش ارزش سرمایه بیمه‌گردیده و قدرت خرید آن را می‌کاهد. لذا قراردادهای بلندمدت بیمه زندگی را ناستوار می‌سازد. در نتیجه افراد را از تقاضای بیمه زندگی رویگردان نموده و به سوی سرمایه‌گذاری‌های مطمئن‌تر و یا کوتاه‌مدت‌تر سوق می‌دهد. (مؤمنی‌وصالیان، دقیقی‌اصل، & آل‌احمدی، ۱۳۹۲)

برخلاف بیمه‌گران اموال و مسئولیت، بیمه‌گران زندگی تأثیر کمتری از تورم می‌بینند. زیرا بسیاری از محصولات زندگی دارای پرداخت‌ها با مبلغ ثابت هستند. در مقابل بیمه‌گران زندگی که محصولاتی دارند که با بازار سهام گره خورده است آسیب بیشتری می‌بینند. بیمه‌گران زندگی به طور غیرمستقیم از تورم اثر می‌پذیرند. تورم موجب کاهش ارزش فعلی پرداخت‌های آتی ثابت می‌شود که منجر به کاهش خرید بیمه زندگی و افزایش نرخ بازخرید می‌شود. در واقع تورم بر تقاضا و فروش بیمه زندگی اثر منفی دارد. همچنین تورم موجب می‌شود نرخ تضمین‌شده بازدهی پیشنهاد شده تحت بیمه‌نامه‌های قدیمی ناکافی باشد. لذا شاهد افزایش بازخرید و سرمایه‌گذاری روی محصولات رقابتی با نرخ بازدهی بالا خواهیم بود. بیمه‌گران زندگی و درمانی که بیمه‌نامه‌های

از کارافتادگی و درمانی بلندمدت می‌فروشند بیشتر از تورم تأثیر می‌پذیرند. بنابراین می‌توان گفت تورم پیش‌بینی نشده معنادار اثر چشم‌گیری روی ترازنامه شرکت‌های بیمه خواهد گذاشت. شاخص‌هایی مانند بازده سهام و بازده دارایی از این تورم پیش‌بینی نشده اثر منفی معناداری می‌پذیرند. در طی دوره‌ای که تورم افزایش می‌یابد بیمه‌گران باید دوره‌های بیمه‌نامه‌ها را کاهش دهند و با توجه به افزایش هزینه‌ها متناوباً نرخ‌ها را تعدیل کنند. بعضی راه‌حل‌ها برای این مشکل عبارتند از:

- صدور بیمه‌نامه به طلا؛
- صدور بیمه‌نامه به پول خارجی؛
- صدور بیمه‌نامه بر حسب واحدهای سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری؛
- مشارکت بیمه‌گذار در منافع بیمه‌گر. (جباری، ۱۳۷۱)

در خصوص ذخایر فنی شکل گرفته در شرکت‌های بیمه باید به این نکته توجه نمود که این ذخایر را می‌توان سرمایه‌گذاری کرد و شرکت‌هایی که محصولات زندگی بیش‌تری می‌فروشند از مشتریان عمده بورس‌ها به شمار می‌روند (هوشمند، ۱۳۷۴). ذخایر فنی متعلق به بیمه‌گذاران است و حجم عظیمی را در ترازنامه شرکت تشکیل می‌دهد و اگر به درستی محاسبه نشود و یا در مسیر صحیح سرمایه‌گذاری هدایت نگردد باعث به خطر افتادن منافع بیمه‌گذاران می‌شود (ضمیری، ۱۳۹۴). گاهی اوقات سرمایه‌گذاری این ذخایر فعالیت‌های حرفه‌ای بیمه‌گر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها از درآمد معاملات بیمه‌ای او فراتر می‌رود و می‌توان گفت پشتوانه‌ای برای فعالیت‌های بیمه‌گری او است، زیرا بسیار دیده شده که درآمد سرمایه‌گذاری‌ها زیان معاملات بیمه‌ای را جبران کرده است. (هوشمند، ۱۳۷۴)

• توانگری مالی شرکت بیمه

معاملات بیمه‌ای همواره دارای یک سری هزینه‌ها و درآمدها است. عمده‌ترین هزینه‌ها در معاملات بیمه‌ای عبارتند از خسارت‌های پرداختی مختلف بر حسب قراردادهای، هزینه‌های عمومی و اداری و مالیات‌ها. درآمدهای حاصل از معاملات بیمه‌ای نیز در حالت کلی شامل اقلامی مانند حق‌بیمه‌های دریافتی و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد. تورم می‌تواند از جهات مختلفی مانند حق‌بیمه‌های دریافتی، سرمایه‌گذاری افراد و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، خسارت، ریسک و تقاضای بیمه بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه تأثیر بگذارد. (راغفر، صفرزاده، & غفوربروردی، ۱۳۹۷)

در ظاهر امر به نظر می‌رسد تورم می‌تواند از طریق افزایش در حق بیمه‌های دریافتی، موجب افزایش توانگری مالی آن‌ها گردد. زیرا بر اثر تورم ارزش موضوع بیمه افزایش می‌یابد و بالتبع حق بیمه نیز که بر اساس سرمایه بیمه‌شده تعیین می‌شود، خود به خود بالا می‌رود. در حالی که مسئله بدین سادگی نیست زیرا: اولاً، در بعضی از بیمه‌ها رابطه بین سرمایه بیمه و حق بیمه وجود ندارد، مثل بیمه اتومبیل که در آن ممکن است حق بیمه بر مبنای قدرت موتور یا تعداد صندلی‌های آن تعیین شود و یا بیمه محصولات کشاورزی که حق بیمه بر مبنای سطح زیر کشت تعیین می‌شود و در نتیجه تورم از این کانال تأثیری بر توانگری ندارد. ثانیاً، بین زمان وصول حق بیمه و وقوع خسارت همیشه فاصله‌ای وجود دارد که تورم در این فاصله ممکن است به حدی باشد که زیان هنگفتی برای بیمه‌گر به وجود آورد و موجب کاهش توانگری مالی شرکت بیمه گردد.

با افزایش قیمت‌ها، تعهدات بیمه‌گر سنگین‌تر می‌شود به ویژه در مواردی که رسیدگی و تصفیه یک پرونده خسارت، نیازمند زمانی طولانی است، زیرا گذشت زمان موجب بالا رفتن مبلغ خسارت می‌شود و این به زیان بیمه‌گر است لذا تورم می‌تواند از کانال خسارات، تأثیر منفی بر توانگری مالی شرکت بیمه داشته باشد بدین سبب در چنین حالتی بیمه‌گران علاقه‌مند هستند که رقم خسارت را هرچه زودتر معین سازند.

تورم می‌تواند از طریق افزایش نوسانات قیمت در بازار، ریسک بازار را افزایش دهد و یا موجب عدم کفایت دارایی‌های جاری شرکت بیمه برای ایفای تعهداتش شود و ریسک نقدینگی شرکت‌های بیمه را نیز بالا ببرد و موجب کاهش توانایی مالی مؤسسات بیمه برای پوشش ریسک‌های پذیرفته شده خود گردد و از این طریق نیز بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه تأثیر منفی بگذارد. (غفوربروردی، ۱۳۹۶)

• عملیات اتکایی

در رابطه با بیمه اتکایی نیز تورم تأثیر نامطلوب وسیعی دارد. به خصوص این که بیمه اتکایی معمولاً با خارج از کشور انجام می‌شود و معمولاً به دنبال تورم نرخ پول که مبنای معامله است تنزل می‌گردد و لذا بیمه‌گر اتکایی بابت سهم خود از حق بیمه وجهی را دریافت می‌کند که ارزش اولیه را ندارد. البته اگر خسارتی پیش آید که بیمه‌گر اتکایی در آن تعهد دارد وضعیت معکوس می‌شود. در عملیات بیمه مستقیم، تورم موجب بر هم خوردن تعادل بین تعهدات بیمه‌گر و بیمه‌گذار می‌شود. وقتی قسمتی از تعهد به بیمه‌گر اتکایی واگذار می‌شود او نیز به سهم خود از تورم ایجاد شده متضرر می‌گردد. ولی از لحاظ او داستان به همین جا خاتمه نمی‌یابد زیرا بیمه‌گر اتکایی سهم خود را در حق بیمه خیلی دیرتر از بیمه‌گر مستقیم دریافت می‌کند. همین فاصله زمانی موجب بر هم

خوردن بیشتر حساب‌ها می‌شود. معمولاً بیمه‌گران اتکایی رغبت زیادی به قبول بیمه از کشورهای که با تورم شدید مواجهند ندارند. (جباری، ۱۳۷۱)

از آنجا که بیمه‌گر اتکایی سهمی از معامله بیمه را قبول می‌کند، هرگونه اثری که تورم بر رابطه بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر واگذارنده بگذارد، خود به خود به نسبت سهم بیمه‌گر اتکایی برای او هم تأثیر خواهد گذاشت. برای مثال، اگر به‌علت تورم، خسارت بیشتری پرداخت شود، بیمه‌گر اتکایی نیز تعهد بیشتری خواهد داشت یا اگر اعمال قاعده نسبی موجب تخفیف خسارت پرداختی شود، بیمه‌گر اتکایی هم از آن منتفع خواهد شد.

حساب بین بیمه‌گر واگذارنده و بیمه‌گر اتکایی با فاصله زمانی زیادی تنظیم و تسویه می‌شود و حتی تسویه حساب بین آن‌ها گهگاه پس از چند سال انجام می‌شود و طبیعی است که تورم حاصل در این مدت مثل هر معامله دیگری به زیان بستانکار، که معمولاً بیمه‌گر اتکایی است، تمام خواهد شد. البته در شرایط استثنایی که به علت ورود خسارت‌های زیاد بیمه‌گر اتکایی بدهکار شده باشد، تأخیر در تسویه حساب به نفع بیمه‌گر اتکایی خواهد بود. در رابطه بین دو بیمه‌گر، عامل دیگری نیز وجود دارد که با تورم ارتباط دارد و آن عامل تغییر نرخ برابری ارزها است که این، اثر بیشتری بر سود یا زیان یکی از طرفین دارد.

در قراردادهای اتکایی مازاد خسارت که تعهد بیمه‌گر اتکایی خسارت‌های مازاد بر مبلغ معینی است، در شرایطی که نرخ ارز ثابت باشد مسئله‌ای پیش نخواهد آمد ولی در حالت تورمی، این رقم معین حتی ممکن است مشمول خسارت‌های کوچک هم بشود و بیمه‌گر اتکایی نیز متعهد گردد.

• خسارت

با افزایش قیمت‌ها، تعهدات بیمه‌گر سنگین‌تر می‌شود به‌ویژه در مواردی که رسیدگی و تصفیه یک پرونده خسارت، نیازمند زمانی طولانی است. گذشت زمان موجب بالا رفتن مبلغ خسارت می‌شود و این به زیان بیمه‌گر است. بدین سبب در چنین حالتی بیمه‌گران علاقه‌مند هستند که رقم خسارت را هر چه زودتر معین سازند. البته پس از تعیین این رقم، تأخیر در پرداخت آن، زیانی به بیمه‌گر نمی‌رساند، بلکه در صورت تأخیر در پرداخت خسارت می‌تواند وجه آن را سرمایه‌گذاری کنند و از درآمد و همچنین از افزایش قیمت ناشی از تورم بهره‌مند شوند. باید توجه داشت که همواره یک فاصله زمانی مابین وقوع خسارت و تاریخ جبران آن وجود دارد، قاعدتاً مبنای تصفیه خسارت، ارزش پول در زمان رسیدگی به خسارت است نه در زمان وقوع آن، در نتیجه هر چه فاصله زمانی مابین وقوع خسارت و تصفیه آن طولانی‌تر باشد، هزینه جبران خسارت بیشتر خواهد

شد (جعفرزاده، ۱۳۷۶). بنابراین شرکت‌های بیمه باید اثر تورم را در ذخیره‌گیری خسارت لحاظ کنند.

اثر تورم در خسارت، مسائلی مانند فرانشیز، حداکثر خسارت و قاعده نسبی را نیز به وجود می‌آورد. الف- فرانشیز: در بسیاری از انواع بیمه از جمله بیمه اتومبیل، رقمی به عنوان فرانشیز معین می‌شود؛ با این توضیح که خسارت تا رقم فرانشیز را خود بیمه‌گذار تحمل و مازاد آن را بیمه‌گر پرداخت می‌کند. با افزایش قیمت، از اهمیت رقم فرانشیز کاسته می‌شود.

ب- حداکثر خسارت: در بعضی از بیمه‌نامه‌ها تعهد بیمه‌گر به مبلغ معینی محدود می‌شود. برای مثال، اگر مجموع ارزش دارایی‌ها در یک واحد صنعتی یک میلیارد ریال باشد، بیمه‌گر و بیمه‌گذار توافق می‌کنند که حداکثر خسارت قابل پرداخت در یک حادثه ششصد میلیون ریال باشد. چون فواصل موجود بین قسمت‌های مختلف واحد صنعتی امکان سوختن تمام مجموعه‌ها را در آتش‌سوزی منتفی کرده است و حد اعلاء خسارت ممکن همان ششصد میلیون ریال است. البته بدین ترتیب، میزان حق بیمه کاهش می‌یابد. اما در یک دوره تورمی شدید ممکن است خسارت ناشی از حریق به علت افزایش سریع قیمت ماشین‌آلات از حداکثر رقم پیش‌بینی شده تجاوز کند و قسمتی از خسارت وارد به بیمه‌گذار جبران نشود.

ج- قاعده نسبی: به موجب شرایط بیمه‌نامه، بیمه‌گذار در صورتی پوشش بیمه‌ای کامل به دست می‌آورد که قیمت موضوع بیمه را به میزان واقعی اعلام کرده باشد. اگر ساختمان صد میلیون ریال ارزش دارد و به مبلغ هفتاد میلیون ریال بیمه شده باشد، هر خسارتی که پیش آید (اعم از کلی و جزئی) فقط ۷۰ درصد آن جبران‌پذیر است، یعنی به نسبت مبلغ بیمه شده به ارزش واقعی مال. معمولاً بیمه‌گذار توجه دارد که قیمت موضوع بیمه را صحیح و دقیق اعلام کند تا بیمه کامل به دست آورد اما تورم موجب می‌شود که در طی مدت بیمه ارزش موضوع بیمه افزایش یابد در حالی که مبلغ بیمه شده ثابت است. بنابراین ممکن است مالی که در ابتدا به قیمت واقعی بیمه شده در زمان وقوع خسارت، بیمه کامل نداشته باشد. برای مثال، ساختمانی که صد میلیون ریال ارزش دارد و به همین مبلغ هم بیمه شده، پس از مدتی ارزش آن به ۱۵۰ میلیون برسد. در این صورت فقط به نسبت ۱۰۰/۱۵۰ بیمه دارد و هر خسارتی که پیش آید به همین نسبت جبران می‌شود. به این روش اصطلاحاً قاعده نسبی سرمایه می‌گویند. این امر موجب نارضایتی بیمه‌گذار و اختلاف‌های شدید بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر می‌شود. به همین سبب، راه‌هایی برای مقابله با آن اندیشیده‌اند که یکی از این راه‌ها، متغیر ساختن مبلغ بیمه بر اساس تغییرات شاخص قیمت‌ها، نرخ تورم بر اساس برآوردهای بانک مرکزی، شاخص افزایش دستمزدها و مانند آن است. در بعضی از بیمه‌ها، از روش سرمایه بیمه به‌عنوان عامل تعیین حق بیمه استفاده نمی‌شود. مثلاً در بیمه اتومبیل، حق بیمه بر

اساس ظرفیت موتور یا تعداد صندلی معین می‌شود نه ارزش اتومبیل لذا در صورت افزایش قیمت اتومبیل، قاعده نسبی سرمایه مطرح نخواهد بود. (مرادی، ۱۳۸۶)

۴- اثر مشکلات نقل و انتقالات پولی بر صنعت بیمه

یکی از آثار تحریم بر عملیات بانکی و به تبع آن بر صنعت بیمه دشواری در نقل و انتقال ارزی، گشایش اعتبارات اسنادی، ممنوعیت استفاده از خدمات ارتباطی مانند سوئیفت، افزایش ریسک در انتقالات ارزی به دلیل استفاده از شیوه‌های ناامن، افزایش ریسک سیاسی و اقتصادی کشور و محدودیت در دستیابی به فناوری‌های روز دنیا است (قضاوی خوراسگانی & محمدی، ۱۳۹۴). در ادامه ابتدا با نمودار ۲ به بیان اثرات مشکلات نقل و انتقال پول بر صنعت بیمه پرداخته و بعد از آن به توضیح هر یک می‌پردازیم.



نمودار ۲- اثر مشکلات نقل و انتقال پولی بر صنعت بیمه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همکاری بیمه‌گران داخلی و طرف خارجی به دلیل مشکلات ارزی و امکان تبادل آن کاهش می‌یابد و با توجه به مشکل گشایش اعتبار، پذیرش ریسک بانک‌های طرف قرارداد در حوزه تجارت خارجی دچار مشکل می‌شود. همچنین فعالیت شرکت‌های بیمه داخلی در عرصه بین‌الملل و پذیرش اتکایی و یا سرمایه‌گذاری به سهولت قبل نخواهد بود.

بیمه‌های اتکایی: دریافت حق بیمه و پرداخت خسارات از جنبه‌های مهم و جدایی‌ناپذیر بیمه است. به دنبال قطعنامه‌ها و مصوبات ناشی از تحریم‌ها در نقل و انتقالات وجوه ارزی اختلالاتی اساسی از جمله محدودیت در نقل و انتقال ارز به منظور پرداخت حق بیمه به بیمه‌گران طرف قرارداد خارجی، دریافت خسارت بابت پوشش‌های بیمه‌ای اخذ شده از بیمه‌های خارجی و پرداخت و دریافت مطالبات متقابل بیمه‌های داخلی و خارجی و عدم امکان تأمین قطعات یدکی در صنایع بزرگ شامل انرژی، هوایی، نیروگاه، پالایش و پتروشیمی و در نتیجه بروز خسارت‌ها و زیان صنعت بیمه ایجاد شد. همچنین تمامی مؤسسات مالی و بانک‌های ایرانی از افتتاح حساب یا انتقال وجوه

در آمریکا و اروپا منع شده‌اند و در صورت انجام مراودات مالی با بانک‌های ایرانی مورد اتهام و پیگیری قرار خواهند گرفت و یا حتی ممکن است حساب‌های آن‌ها مسدود شود و یا این که مشمول جریمه‌های هنگفتی از طرف آمریکا قرار بگیرند. به‌علاوه برخی از این وجوه ارزی موجود در حساب‌های تجاری متعلق به شرکت‌های ایرانی با خطر مسدود شدن هم مواجه می‌شوند. شرکت‌های بیمه‌ای درخصوص انتقال وجوه ارزی (چه حق بیمه‌ها و چه خسارت‌ها) خصوصاً در مورد بیمه‌نامه‌های بین‌المللی با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند و حتی در مواردی به نقل از برخی مدیران بیمه‌ای، ناگزیر می‌شوند تا از حساب‌های شخصی و یا حتی از طریق حمل دستی برای انتقال وجوه ارزی به داخل ایران و بالعکس استفاده نمایند و همه این عوامل خود به عنوان چالشی مهم برای صنعت بیمه محسوب می‌شود. (فرحی، ۱۳۹۷)

بنابراین یکی از مشکلات دوره تحریم در خصوص نقل و انتقالات پولی، وصول مطالبات قبلی است که در نزد شرکت‌های خارجی باقی مانده است. دریافت مطالبات از شرکت‌های خارجی به طرق مختلف انجام می‌شود. بخشی از آن به صورت تهاتر، جابجایی از شرکتی به شرکت دیگر یا باواسطه یک شرکت ثالث با ارسال ایمیل‌های متعدد دریافت می‌شود. به عبارت دیگر بدهی‌ها به یک شرکت خارجی با طلب شرکت بیمه از یک شرکت خارجی دیگر تسویه می‌شود. بخش دیگری از پرداخت‌ها یا دریافت‌ها نیز از طریق صرافی انجام می‌گرفته است.

بیمه‌های باربری: در حال حاضر بخش عمده تجارت در دنیا از طریق بانک‌ها انجام می‌شود (از طریق سیستم گشایش اعتبار اسنادی). در این رابطه نقش بیمه‌ها در کنار بانک‌ها بسیار تأثیرگذار است. اما متأسفانه با توجه به شرایطی که بر اثر تحریم‌ها ایجاد می‌شود نمی‌توانیم از نقش بانک‌ها در کشور در این حوزه بهره‌برداری کنیم. در بحث صادرات با گشایش سیستم اعتبارات اسنادی بین‌المللی حتماً بیمه‌های حمل و نقل وارداتی و صادراتی رونق خواهد گرفت. بنابراین یکی از مهم‌ترین چالش‌های بیمه‌های باربری، عدم گشایش اعتبارات اسنادی، تحریم‌ها و بسته شدن سوئیفت است. بانک‌ها با قرارداد تسهیلات در اختیار مشتریان، می‌توانند اعتبارات بیشتری را گشایش کنند که نقش بسیار مهمی در توسعه بیمه‌های باربری خواهد داشت. با وجود تحریم‌ها انجام این مهم با مشکل مواجه می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

برای بیمه‌های غیرزندگی، تورم مرتبط با تعهدات بلندمدت یک منبع ریسکی مهم است و می‌تواند اثر قابل توجهی بر برآورد ذخیره‌گیری خسارت بگذارد. به علاوه در ادبیات سرمایه الزامی مبتنی بر ریسک برای بیمه‌گران که در توانگری II^۱ بدان اشاره شده است، تمامی ریسک‌ها باید در

محاسبات سرمایه الزامی توانگری مورد توجه قرار گیرند. همچنین شرکت‌های بیمه باید در مدل کنترل داخلی خود که شامل مدل توانگری داخلی و تهیه گزارشات ORSA^۲ است ریسک تورم را مورد توجه قرار دهند. لازم به توضیح است که شرکت‌های بیمه حسب تکلیف آیین‌نامه حاکمیت شرکتی موظفند در ساختار سازمانی خود واحد مدیریت ریسک راه‌اندازی نمایند. این واحد موظف است ریسک‌های شرکت بیمه را با توجه به اشتها و حد تحمل ریسک که بر مبنای بیانیه خط مشی ریسک شرکت است ارزیابی و گزارشاتی را که تحت عنوان ORSA نامیده می‌شود جهت ارائه به هیئت مدیره سازمان تهیه نماید. گزارشات مربوطه جهت انجام فرآیند نظارت در اختیار نهاد ناظر نیز قرار خواهند گرفت. در این مقاله تمرکز ما بر روی بررسی اثر تحریم بر صنعت بیمه از بعد تورم و ایجاد مشکلات نقل و انتقال پول است. اندازه‌گیری ریسک تورم مورد بحث این مقاله نیست و برای کارهای آتی پیشنهاد می‌شود.

تورم و ایجاد مشکلات نقل و انتقال پولی ناشی از تحریم موجب تحمیل هزینه‌هایی به شرکت‌های بیمه می‌شوند که در زیر به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم:

- ✓ افزایش هزینه‌های خسارت در حوزه بیمه‌های مستقیم و اتکایی، ذخایر خسارت و سبد دارایی؛
 - ✓ کاهش حاشیه سود بیمه‌گری و بازده سرمایه‌گذاری؛
 - ✓ کاهش توانگری شرکت‌های بیمه؛
 - ✓ افزایش ریسک اعتباری نکول طرف تجاری خارجی.
- پیشنهاداتی که در این زمینه به صنعت بیمه داده می‌شود به شرح زیر است:
- ✓ استفاده از بانک‌های کشورهای که در حوزه تحریم قرار ندارند جهت جابه‌جایی و نقل و انتقال ارزهای صنعت بیمه به داخل کشور و نیز ایجاد جذابیت‌هایی در حوزه صنعت بیمه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این صنعت؛
 - ✓ حل مشکلات ناشی از انتقال ارز به خارج از کشور با روش‌های خاص برای پوشش‌های بیمه‌ای؛
 - ✓ تقویت و افزایش ظرفیت بازار اتکایی داخل کشور؛
 - ✓ اصلاح مقرراتی مانند آیین‌نامه شماره ۶۹ شورای عالی بیمه (نحوه محاسبه توانگری شرکت‌های بیمه) حسب استانداردها و دستورالعمل‌های بین‌المللی، آیین‌نامه شماره ۵۸ شورای عالی بیمه (نحوه محاسبه ذخایر فنی در شرکت‌های بیمه) و لحاظ نمودن ریسک تورم و ورود آن به مدل ذخیره‌گیری، آیین‌نامه شماره ۶۰ شورای عالی بیمه (نحوه

سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه) به لحاظ تفکیک سرمایه‌گذاری منابع حاصل از بیمه‌های زندگی و غیرزندگی به لحاظ ماهیت بلندمدت یا کوتاه‌مدت بودن رشته بیمه‌ای؛
✓ حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری آی.اف.آر.اس ۳ برای صنعت بیمه اجتناب‌ناپذیر است. اکنون نسخه هفدهم این استانداردها در جهان تدوین و برای صنعت بیمه از سال ۲۰۲۱ اجرایی خواهد شد. این استانداردها برای اتصال صنعت بیمه ایران به بازار بیمه اتکایی جهان ضروری است. در نسخه هفدهم این استاندارد مقرر است که شرکت‌های بیمه در زمان انعقاد قرارداد بیمه‌نامه، باید کل درآمد و هزینه ناشی از آن را بر اساس ارزش روز محاسبه و هزینه‌ها را پیش‌بینی کنند تا حاشیه سود و منافع شرکت بیمه از هر بیمه‌نامه در همان لحظه شناسایی شود.



فهرست منابع

- ۱) اخوی، محمد، حسینی، شمس‌الدین (۱۳۹۶). ارزیابی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تورم اقتصاد ایران. فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۵۰-۳۳.
- ۲) بنی‌مصطفی‌عرب، فائزه (۱۳۹۵). استراتژی‌های بیمه اتکایی و سرمایه‌گذاری بهینه تحت ریسک های نرخ بهره و تورم. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۳) پیکارجو، کامبیز، غفاری، فهیمه، شاهانی، فرهاد، (۱۳۹۰). اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر تقاضای بیمه عمر در کشورهای منطقه منا، فصلنامه اقتصاد کاربردی، شماره پنجم، ۵۲-۱۹.
- ۴) تهرانی، رضا، نجف‌زاده‌خویی، سارا (۱۳۹۶). بررسی تأثیر نااطمینانی تورم بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه اقتصاد مالی شماره ۳۸، ۲۰-۱.
- ۵) جباری، غلامحسین (۱۳۷۱). اثر تورم بر بیمه‌گذار و بیمه‌گر. حسابدار، ۵۳-۴۶.
- ۶) جعفرزاده، علی (۱۳۷۶). بررسی اثرات تورم بر بازار بیمه (با تأکید بر بازار بیمه ایران). رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.
- ۷) جهانی، فرزانه، دهقانی، علی (۱۳۹۱). اثر صنعت بیمه بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه منا (طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۷)، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۱۸، ۹۴-۴۵.
- ۸) راغفر، حسین، صفرزاده، اسماعیل، غفوربروجردی، مریم، (۱۳۹۷). تأثیر تورم بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه در ایران. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۴۷-۲۳.
- ۹) عباسی، ابراهیم، دقیقی‌اصل‌علیرضا، حسین‌خانی، سکینه، (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ای اثر تورم بر تقاضای بیمه‌های عمر در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره بیست و دوم، ۹۰-۷۰.
- ۱۰) عباسی، غلامرضا، رحیم‌زاده، اشکان، سلمانی، داوود، (۱۳۸۸). نااطمینانی تورمی و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۰۹-۸۵.
- ۱۱) غفوربروجردی، مریم، (۱۳۹۶). تأثیر تورم بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه در ایران. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- ۱۲) فرحی، شیما، (۱۳۹۷). بررسی تأثیر تحریم‌ها بر صنعت بیمه در ایران. تهران: دانشگاه خوارزمی.
- ۱۳) قضاوی‌خوراسگانی، حسین، محمدی، محمدحسن، (۱۳۹۴). الگوی مدیریت چالش سیستم بانکی جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم. تحقیقات مالی، ۳۴۱-۳۵۶.
- ۱۴) شهباز مرادی، سعید، (۱۳۸۶). محاسبه شاخص قیمتی برای خدمات و خسارات بیمه‌ای به منظور تعدیل اطلاعات در مقابل اثرات تورم. بررسی‌های بازرگانی، ۲۸-۳۷.

- ۱۵) ضمیری، بیتا، (۱۳۹۴). اثر ذخایر بر سودآوری شرکت‌های منتخب بیمه در ایران. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- ۱۶) لطفی، عباسعلی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر تقاضای بیمه‌های اشخاص، دوفصلنامه اقتصاد پولی، مالی، شماره ۱۲، ۲۶۹-۲۳۵.
- ۱۷) مؤمنی‌وصالیان، هوشنگ، دقیقی‌اصل، علیرضا، آل‌احمدی، ابتهسام، (۱۳۹۲)، اثر تورم بر بیمه‌های عمر و راهکارهای خنثی‌سازی آن، فصلنامه اقتصاد مالی، ۵۹-۳۱.
- ۱۸) مهدوی، غدیر، علیپور، جلال، (۱۳۹۳)، حذف اثر منفی تورم از بیمه‌نامه‌های عمر و سرمایه‌گذاری به کمک سبد پولی، پژوهشنامه بیمه، شماره ۳، ۷۴-۵۱.

یادداشت‌ها

¹ Solvency II

² Own Risk and Solvency Assessment

³ IFRS

